

## آگاهی انسان

انسان خود بر نیک و بد خویش بخوبی آگاهست. آنگاه که انسانی تصمیم بر خواستن و یا نخواستن چیزی می گیرد تنها خود اوست که مصمم شده و حرکتی لازم برای رسیدن به هدف پایه ریزی مینماید، این قانون است که انسان برای دستیابی به امری و یا دوری از امری باید حرکت نماید و تلاش و کوشش نماید، و هنگام انجام هر عملی بدرستی می داند که آیا عمل او درست است و یا غلط، خوب است و یا بد، انسان در طول زندگی مرتباً هدف دارد و برای رسیدن به اهداف خود عمل کننده است حال گاهی نمیتواند تشخیص دهد که آیا هدف او خوب است و یا بد، در این هنگام باید دقت کند که برای رسیدن به هدف چه اعمالی را مجبور به عمل است و چون بیابد که عملهای انجامی برای رسیدن به هدف بد می باشند پس باید بداند که هدف او نیز بد است، چنانچه انسان اعمال انجامی را خوب ببیند باید بداند که هدف او نیز خوب میباشد.

بطور کلی انسان باید بداند که اگر کلیتی را قادر به شناخت نیست آن کلیت را تبدیل به جز، نماید و آنگاه جزئیات را با دقت بررسی نماید و آنگاه که خوب و یا بد جزئیات را فهم و درک نمود بداند که آن کلیت ساخته شده از همین اجزا است، پس اگر جزئیات خوب بود پس کلیت نیز خوب است و اگر جزئیات بد بود پس کلیت نیز بد خواهد بود، **طول زندگی شما جزئی از زمان کل است**، حال اگر طول زمان زندگی خود را برنامه ریزی بر اساس شناخت واقعیت و حقیقت وجودی خود نمائید و بدانید هر لحظه ی عمر شما چگونه می گذرد می توانید به شناخت در آئید که زمان چگونه خواهد گذشت، آنجا که خود را سرگرم می کنید تا آنکه خود را از زیر بار فشار فکر کردن رها سازید بدانید که این رهگذر عمر شما چون گذر زمان گذشته است، گذشتگان نتوانستند فشار تفکر را تحمل نمایند، **آیا شما تا بحال فکر کرده اید و فشار قدرت تفکر را بر وجودیت خود حس نموده اید؟**

بدانید که گذشتگان می دانستند این عظمت خلقت، خالق دارد اما چون تاب و تحمل بر فشارهای وارده از سوی قدرت تفکر را نداشتند بُتی ساخته و آن را معبود خود می پنداشتند و چون پیامبران مرزهای جهل و نادانی را شکستند و دانائی لازم را وارد نمودند باز هم بسیاری نتوانستند فشار دانائی را تحمل کنند و با آن مبارزه نمودند تا آنکه فشار دانائی را مبدل به آرامش جهل نمایند و به اصطلاح طول عمر خود را آرام سپری کنند، آنان تحمل حقایق را نداشتند.

گاهی شما فکر می کنید که در حال فکر کردن هستید، بدانید که اشتباه می کنید بلکه شما در حال خیال پردازی هستید، خیال پردازی شما را آرام و شوق زده می نماید، آنگاه که به خیالی در حال فکر کردن هستید و احساس ذوق و شوق وجود شما را فرا گرفته است کل خروجی ذهن شما خیالاتی موهوم بدور از حقیقت هاست، بدانید فکر حقیقی چهارچوب بدن را تحت فشاری سنگین قرار خواهد داد، آنگاه که چنین نیستید در حال خیال پردازی هستید، گذشتگان برای تحمل

وبهتر بگوئیم برای فرار از فشار قدرت تفکر، بُت می ساختند و با بُت پرستی خیال خود را راحت می کردند که سئوال های بی جواب خود را پاسخ داده اند در حالی که غرق در جهالت و نادانی بودند و انبوهی سئوالات بی جواب آنها را مات و متحیر ساخته بود، **حال شما در این زمانه با خود چه کرده اید؟**

گروهی خود را سرگرم دارائی های دنیوی و ظاهری کرده اید و هرگز حاضر به فکر کردن راجع به دارائی های الهی نشده اید زیرا تحمل آنرا ندارید و گروهی خود را به حالت بیهوشی فکری در آورده اید، می دانید قدرت تفکر حتی لحظه ای شما را رها نکرده است، چون اوفشار وارد می کند و پرده سئوال ها را جلوی شما می گشاید شما برای فرار از دایره ی فکر خود را سرگرم می کنید و مغز خود را با عوامل مختلف خاموش می کنید، خود را زیر بار فشار کارهای بیهوده خسته می کنید و عوامل خواب آلودگی را برای خود فراهم می سازید تا آنکه ندانید چه بر سر شما در حال وارد شدن است، گذشتگان چراغ های هدایت

انبیا و اولیا خداوند را خاموش می کردند تا آنکه خیالشان راحت شود، شما چه کرده اید؟

به فرمان خدا امروز چراغ هدایت، تفکر و تعمق هر شخص در وجود خود اوروشن شده است و شما اگر بخواهید چون گذشتگان خیال خود را راحت کنید باید چراغ وجودی خود را خاموش کنید و بدانید این امر شدنی نخواهد بود الا آنکه مرگ خود را رقم زنید **خود را رها سازید از قید و بندها و تلاش کنید سئوالات وجودی خود را پاسخ دهید،** دیگران زمان گذشته نیست که بتواند وجودیت نهان خود را فریب داده و یا سرگرم نمائید، خدا را به یاری طلب کنید تا فرصت دارید، سئوال ها در وجودیت شما در حال چرخش است، سوال ها را جواب دهید تا آنکه رها شوید از آشفتگی ها و استرس ها، ترس شما از خودتان است نه از آینده فرزندان، شیطان ذهنیت شما را درگیر کرده است و شما را به دنبال ساختن سازه های موهوم و باطل کشانده است، بدانید این سازه ها دیگر جواب گوی شما نیست و لحظه ایی شما را رها نخواهد کرد،

فشاردرون چون عذاب وجدان، شما را بهم ریخته است، شما شکسته اید خردشده اید، قادر نیستید، ناتوان شده اید.

**ناتوانی و شکستگی خود را باور کنید، بسازید خود را،**  
شما شکسته اید چرا دیگران را مقصر می پندارید؟  
چرا می خواهید فشار بار شکستگی خود را به گردن  
دیگران اندازید؟

**خود را بسازید تا آنکه آرام و قرار گیرید، هرکس به**  
**سرای باقی خود به شتاب در حال حرکت است،**  
فشارهای وارده بر خود را به دیگران نسبت ندهید،  
دیگران شما را زیر بار فشار گذاشته اند که شما تصمیم  
بگیرید و چون ناتوان بر تصمیم گیری هستید مرتباً  
فشار افزونتر خواهد شد، بدانید علت اصلی فشار از  
سوی دیگران بر شما تنها این است که درون خود شما  
از شما رسیدن به مقصد و هدف را می خواهد و به همین  
واسطه عامل فشار را از بیرون انتخاب می کند،  
چنانچه شما بتوانید خود را بشناسید عوامل فشار  
بیرونی قطع خواهد شد، نالانید که دیگران مزاحم شما

هستند، درحالی که فشار درون مزاحم شده است که او را بشناسید و تصمیم بگیرید که با دانائی درون همراه شوید و یا با جهالت بیرون، شما را برای راحتی و آرامش تنها یک راه مانده است و آن این است که با دانائی درون همراه شوید و خود را تحت فرمان اودر آورید و بدانید آنگاه که همراه با دانائی درون شدید و تصمیم خود را گرفتید مبنی مبارزه با جهالت بیرون، مزاحمین ترک شما خواهند کرد، چرا می ترسید کلام را جاری زبان کنید، میدانید چرا؟

برای آن است که هرکلامی جاری زبان شد بدنبال خود عملگرائی را می طلبد و شما درپس جاری کردن کلام باید به آن عمل کنید پس به همین واسطه میترسید، درحالی که شما اگر خود ایمان داشته باشید به کلام جاری وجود، با راندن کلام بر زبان قدرت خواهید یافت که کلام خدا را عملگرائی نمائید.